

اثر کارآفرینی و توسعه‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اشتغال: تجربه‌ی چند کشور منتخب در حال توسعه

فریبا السادات عقیلی*¹ - سید کمیل طیبی² - زهرا زمانی³ - نسرين ابراهیمی⁴

1. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان

2. استاد اقتصاد بین‌الملل دانشگاه اصفهان

3. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان

4. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت مقاله: 1391/3/30، تاریخ تصویب: 1391/6/5)

چکیده

ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب یکی از مسیرهای دست‌یابی به رشد اقتصادی و توسعه‌ی پایدار می‌باشد. تجربه‌ی بسیاری از کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که کارآفرینی منجر به تولید ثروت، توسعه‌ی فناوری و اشتغال مولد با افزایش کارایی و بهره‌وری عامل تولید می‌شود، درعین حال یکی از بسترهای مناسب برای توسعه‌ی کارآفرینی ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) بوده‌است. در این مطالعه سعی شده تا نقش SMEs و کارآفرینی در ایجاد اشتغال در چند کشور در حال توسعه با استفاده از طراحی الگوی اشتغال در محیط داده‌های تابلویی طی دوره‌ی زمانی 2008-1998، برآورد شود. براساس نتایج به‌دست آمده بنگاه‌های کوچک و متوسط اثر مثبت و معنی‌دار بر اشتغال دارد. بدین لحاظ چنان‌چه بنگاه‌های کوچک در کشورهای مورد بررسی در عرصه‌ی بین‌الملل حاضر شوند، می‌توانند افزون‌بر گسترش روابط تجاری، اشتغال را افزایش دهند و مشکلات اشتغال را نیز برطرف کنند.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، اشتغال

مقدمه

بدون شک توسعه‌ی اقتصادی یک کشور در گرو ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب و بهبود فضای کسب و کار است. از آن جا که توسعه‌یافتگی را می‌توان براساس میزان بالای اشتغال جست‌وجو کرد و جامعه‌ی رشد یافته‌ای که درصد بیکاری بالایی دارد با بحران اجتماعی و سیاسی روبه‌رو می‌شود، پس باید به دنبال راه‌حل‌های مناسب برای رفع مشکل بیکاری به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار بود. تجربه‌ی بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که کارآفرینی یکی از اثرگذارترین راه‌حل‌ها برای کاهش سطح بیکاری است (استل و همکاران¹، 2004؛ توریک و ونکرز²، 2004).

کارآفرینی افزون‌بر افزایش سطح اشتغال می‌تواند منجر به افزایش نوآوری، افزایش تعداد ثبت اختراعات و ابداعات و بهبود توزیع درآمد شود که تمامی این موارد از عناصر اثرگذار برای رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی و تحقق فرصت‌های جدید اشتغال مولد می‌باشد. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که در قرن 21، SMEs³ منشاء اصلی اشتغال مولد و تمهید محیط کارآفرینی، تسریع در خلاقیت و نوآوری و گشایش فرصت‌های نوین تجاری بوده‌اند. کارآفرین خود با شناخت صحیح از فرصت‌ها و استفاده از سرمایه‌های راکد امکاناتی را فراهم کرده و با سازماندهی و مدیریت مناسب منابع، ایده خویش را عملی می‌کند، و در این خصوص SMEs فضای مناسب برای اجرای ایده‌های کارآفرینان را فراهم می‌کنند (متقی طلب و بلالایی 1387).

با توجه به این که افزایش سطح اشتغال از عوامل اثرگذار در توسعه‌ی اقتصادی پایدار می‌باشد و در مطالعات کم‌تر به نقش اشتغال مولد توجه شده است، رویکرد این مطالعه ارزیابی نقش کارآفرینی در توسعه‌ی اقتصادی با ایجاد اشتغال مولد در بنگاه‌های کوچک و

1. Stel et al

2. Thurik and Wennekers

3. Small and Medium sized Enterprises

متوسط می‌باشد. هدف این مطالعه بررسی عوامل تاثیرگذار بر سطح اشتغال با تاکید بر نقش SMEs و کارآفرینی در برخی از کشورهای در حال توسعه (چین، پاکستان، مالزی، اندونزی، ویتنام، فیلیپین، هند، تایلند، سنگاپور) طی دوره‌ی زمانی 1998-2008 است. بنابراین، در ادامه در بخش دوم ابتدا به مفهوم کارآفرینی و SMEs اشاره شده، سپس در بخش سوم جایگاه SMEs در ایجاد اشتغال و در بخش چهارم در مورد پیشینه‌ی موضوع بحث می‌شود. در بخش پنجم الگوی پژوهشی ارائه شده و سپس در بخش ششم نتایج تجربی مدل ارائه می‌شود. در پایان، در بخش نهایی نتیجه‌گیری و پیشنهادها آورده شده است.

بررسی پیشینه‌ی تحقیق

مفهوم کارآفرینی

توسعه اقتصادی دنیای امروز بر پایه‌ی نوآوری، خلاقیت و دانش استوار است و در چارچوب اقتصاد دانش محور قرار دارد. در این بین کارآفرینان به طور خاص دارای نقش مؤثر در توسعه‌ی اقتصادی اند. در سطح کلان، کارآفرینی به مفهوم محرک تغییرات ساختاری و ایجاد اشتغال است، و در سطح خرد کارآفرینی به معنای شکل‌گیری و رشد بنگاه‌های جدید تلقی می‌شود. در عمل توسعه کارآفرینی به رویه ایجاد شغل منتهی می‌شود، زیرا فرصت‌های شغلی جدید در گرو ورود بنگاه‌های جدید به یک فعالیت خواهند بود که از سطح کارآفرینی بالاتری برخوردارند (ونکرز و توریک، 1999).

از نظر شومپتر (1934) کارآفرینی موتور محرکه توسعه‌ی اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است، البته شومپتر کارآفرینی را نوعی تخریب خلاق می‌داند، یعنی با کارآفرینی فعالیت‌های سنتی تعطیل می‌شود و اهم فعالیت‌های اقتصادی به صورت مدرن‌تری صورت می‌گیرد. میل¹ (1848) کارکرد و عمل کارآفرین را شامل هدایت، نظارت، کنترل و مخاطره‌پذیری می‌داند و عامل متمایز کننده مدیر و کارآفرین را

1. Mill

مخاطره‌پذیری معرفی می‌کرد. هایک¹ (1937) بر نقش کارآفرین در ایجاد و بکارگیری اطلاعات تاکید می‌ورزد. هوشیاری کارآفرین نسبت به فرصت‌های سودآور و آمادگی او برای بهره‌گیری از آن‌ها از طریق عملیاتی، کارآفرین را در فرآیند بازار به عنصر اصلی تبدیل می‌سازد (فخری، 1389). مک میلان و لو² (1988) معتقدند که کارآفرینی یعنی ایجاد شرکت‌های جدید. مکران و فلائیگان³ (1996) کارآفرینان افرادی نوآور با فکر متمرکز و به دنبال کسب موفقیت هستند که در نظام اقتصادی شرکت‌های نوآور، سودآور و با رشدی سریع را ایجاد می‌نمایند (حسن مرادی، 1385). سه دلیل مهم کشورها برای توجه به مقوله‌ی کارآفرینی تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است. در کشورهای بزرگ و پیشرفته، اهمیت کارآفرینی فقط به دلیل ایجاد شغل نیست، بلکه دلیل اصلی این است که فعالیت‌های اقتصادی کوچکی که در این کشورها به وجود آمده‌اند و رشد کرده‌اند، توانسته‌اند سهم عمده فن‌آوری روز و در نتیجه سهم بزرگی از ثروت و درآمد را به خود اختصاص دهند.

بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs)

ادبیات مربوط به اشتغال واحدهای کوچک و متوسط بسیار پیچیده است، و کشورهای مختلف برای این نوع بنگاه‌ها تعریف‌های متفاوتی به کار برده‌اند. هر کشور با توجه به شرایط خاص خود تعریفی از این کسب و کارها ارائه کرده است. این تعریف‌ها بر اساس شاخص‌های متفاوتی از جمله تعداد کارکنان و میزان گردش مالی مطرح شده‌اند. مهم‌ترین معیاری که برای این نوع بنگاه‌ها وجود دارد تعداد کارکنان این بنگاه‌هاست. در ایران براساس تعریف وزارت صنایع و معادن و وزارت کشاورزی بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از 50 نفر کارگر دارند. در آمریکا کسب و کارهایی را که کمتر از 500 نفر پرسنل داشته باشند شرکت کوچک نامیده

1. Hayek

2. Mcmillan and Low

3. Mckeran and Flannigan

می‌شود.

بنگاه‌های کوچک و متوسط یکی از اجزای حیاتی رشد در اقتصاد جهانی بوده و اهمیت آنها در رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به خوبی شناخته شده‌است. این گونه بنگاه‌ها به طور میانگین بیش از نیمی از نیروی انسانی شاغل در اقتصاد را به کار گمارده‌اند و نیمی از کل مشاغل جدید را فراهم می‌آورند. علاوه بر این 46 درصد تولید ناخالص ملی و 55 درصد محصولات نوآورانه و جدید نیز توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط ایجاد می‌شود. در کشور ما بنگاه‌های کوچک و متوسط بیش از 80 درصد از جامعه‌ی تجاری را تشکیل می‌دهند. به دلیل توان بنگاه‌های کوچک و متوسط در شرایط در حال تحول محیطی و گذار از بحران‌های اقتصادی، همچنین نقش این گونه بنگاه‌ها در توسعه پایدار صنعتی، باید برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف فعالیت آنها مد نظر قرار گیرد (اخوان صراف، 1386).

یکی از ابزارهای اصلی رشد و توسعه‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرینی است. کارآفرینان به واسطه ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی که دارند می‌توانند فعالیت‌های خود را با ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط شروع نمایند. اما در مورد نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال دیدگاه‌های متضادی وجود دارد. در ادامه این دیدگاه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرند.

جایگاه SMEs در ایجاد اشتغال

درباره‌ی نقش SMEs در ایجاد اشتغال میان کارشناسان اجماع وجود ندارد، به طوری که عده‌ای موافق نقش SMEs در ایجاد اشتغال بوده و عده‌ای دیگر مخالف آن هستند که در ادامه به این دیدگاه‌ها اشاره می‌شود.

دیدگاه موافقان

دیدگاه‌های حمایت از SMEs عمدتاً بر سه محور اصلی اهمیت و نقش آن‌ها دلالت دارند که در ادامه مطرح شده‌است:

SMEs عامل تقویت روحیه‌ی رقابت و کارآفرینی در اقتصاد بوده و از این رو منافع زیادی در جهت افزایش نوآوری و رشد و بهره‌وری در کل اقتصاد دارند (آیدیس¹، 2002). بعضی از کارشناسان عقیده دارند SMEs به‌طور کلی از بنگاه‌های بزرگ دارای بهره‌وری بالاتر هستند، ولی معضلات و موانع آن‌ها در رابطه با تامین مالی از بازارهای مالی و سایر نهادهای مرتبط، مانع از توسعه‌ی آن‌ها می‌گردد (اسمالبون و ولتر²، 2001). بعضی دیدگاه‌ها نیز بر این نکته تاکید دارند که SMEs نقش بزرگ تری در ایجاد شغل دارند و به‌طور کلی بنگاه‌های کوچک تر نسبت به بنگاه‌های بزرگ تر، کاربرتر هستند. لذا برنامه‌های حمایت از آن‌ها می‌تواند موجبات کاهش بیکاری و کاهش فقر را فراهم سازد (پیساریدز³، 2000).

دیدگاه‌های مخالفان

در مقابل دیدگاه موافقین حمایت از SMEs، نظرات مخالفی نیز وجود دارد که حمایت از SMEs و ترجیح دادن آن‌ها به بنگاه‌های بزرگ را فاقد توجیه اقتصادی و علمی می‌دانند. نظرات مخالفین عمدتاً شامل موارد زیر است:

بنگاه‌های بزرگ به منافع ناشی از مقیاس اقتصادی تولید دسترسی دارند و به‌علاوه قادرند هزینه‌های ثابت مربوط به تحقیق و توسعه را تامین کنند (پاگانو و شیواردی⁴، 2001). مشاغلی که توسط بنگاه‌های بزرگ ایجاد می‌شود از پایداری بیشتری برخوردار است و از لحاظ استانداردها و کیفیت کار، نسبت به مشاغل ایجاد شده در SMEs برتری دارند. برخی از مخالفین اساساً مبنای اندازه را برای حمایت از بنگاه‌ها مورد تردید قرار می‌دهند و معتقدند موارد دیگر نظیر مقدار و نوع منابع طبیعی، سطح فن‌آوری، سیاست‌های کلی اقتصاد و بنیادهای اجتماعی، اندازه بهینه بنگاه را مشخص می‌سازد (براون و همکاران، 1990). گروهی از مخالفین نیز معتقدند تاکید اصلی برنامه‌های حمایتی به جای SMEs باید بر محیط

1. Aidis

۲. Smallbone and Welter

۳. Pissarides et al

4. Pagano and Schivardi

کسب و کار باشد. هزینه‌های پایین ورود به بازار، کاهش مقررات دست و پاگیر، تقویت حقوق مالکیت و دسترسی آسان بنگاه‌ها به منابع مالی از خصوصیات یک محیط کسب و کار مناسب است که می‌تواند به هر دوی SMEs و بنگاه‌های بزرگ کمک کند (بک و همکاران¹، 2005).

هر چند دیدگاه‌های موافقان و مخالفان SMEs در ایجاد اشتغال مرور شد اما با توجه به نقش پررنگ SMEs در کشورهای پیشرفته می‌توان نتیجه گرفت که بنگاه‌های کوچک اقتصادی اهمیت ویژه‌ای در تعادل اقتصادی دارند. جایگاه موسسات کوچک که بعضاً در بخش خدمات و بازرگانی فعالیت دارند، از این جهت دارای اهمیت است که سهم عمده‌ای از بازار را به خود اختصاص داده و گروه عظیمی در این موسسات مشغول به کار هستند. این گونه موسسات به تناسب خود رشد می‌کنند. رشد آنها معمولاً قائم به سرمایه نیست و در این میان ابتکار، استفاده از فرصت‌های مناسب و بکارگیری شیوه‌های مناسب بازاریابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

همچنین بنگاه‌های کوچک و متوسط از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار بوده و کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری بیشتری در آنها صورت می‌پذیرد. این بنگاه‌ها راحت‌تر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی تطابق داده و نسبت به مولفه‌های محیطی همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، سیاسی، و قانونی سریع‌تر واکنش نشان دهند. یکی از بسترهای مناسب برای توسعه کارآفرینی، ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط است. در قرن بیست و یکم، SMEs منشاء اصلی اشتغال مولد و تمهید محیط کارآفرینی، تسریع در خلاقیت و نوآوری و گشایش فرصت‌های نوین تجاری محسوب می‌شوند. پس با توجه به آنچه بیان شد نقش SMEs در کارآفرینی و اشتغال مورد تاکید قرار گرفت. با توجه به اهمیت موضوع بخش بعدی ادبیات موضوع را در این زمینه مرور می‌کند.

ملکی نژاد (1385)، در مقاله‌ای با عنوان "تحلیلی بر نقش صنایع کوچک و متوسط در

1. Beck et al

توسعه‌ی اقتصادی "چنین نتیجه‌گیری می‌کند که صنایع کوچک و متوسط از طریق چهار کانال کارآفرینی، نوآوری و تغییر فن‌آوری، پویایی صنعت و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تاثیر گذارند. توسعه‌ی صنایع کوچک و تکنولوژی‌های متوسط، می‌تواند به عنوان استراتژی مناسب برای کشورهای در حال توسعه مطرح باشد و از طریق رفع فقر، افزایش درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی برای نیروی انسانی غیرماهر، انباشت سرمایه از طریق افزایش بازدهی، بهبود بهره‌وری در بخش روستایی و همچنین از طریق جلوگیری از گسترش شهرنشینی و مهاجرت بی‌رویه به فرآیند توسعه کشورهای جهان سوم از ابعاد اقتصادی و اجتماعی کمک نموده و رشد اقتصادی این کشورها را تسریع بخشد.

فیض پور و پوش‌دوزباشی (1387)، در مطالعه‌ی خود در مورد بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع و سهم آن‌ها در ایجاد اشتغال بیان می‌کند که هرچند نام این بنگاه‌ها برده شده‌است، اشتغال و کارآفرینی از اصلی‌ترین هدف توجه به این بخش بوده‌است. او نشان می‌دهد که با افزایش اندازه‌ی بنگاه سهم آن‌ها در ایجاد اشتغال کاهش می‌یابد و همچنین بنگاه‌های کوچک و متوسط با رشد سریع نقشی اساسی را در ایجاد اشتغال در صنایع تولیدی ایران ایفا کرده‌اند. این بنگاه‌ها اگرچه کمتر از 10% از تمام بنگاه‌های موجود را تشکیل داده‌اند، اما توانسته‌اند بین 55 تا 80 درصد اشتغال ناخالص ایجاد نمایند.

هزار جریبی (1384)، در یک بررسی توصیفی به این نتیجه رسیده‌است که کارآفرینی موجب اشتغال می‌شود و از سطح بیکاری جامعه می‌کاهد. هم‌چنین کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد و به ابداع و توسعه‌ی کالاها و خدمات جدید می‌پردازد. کارآفرینی موجب بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آنها برای بهره‌وری عظیم ملی می‌شود و موجب توزیع متناسب درآمد می‌شود و اضطراب‌های اجتماعی را به آرامش تبدیل می‌کند. کارآفرینی موجب سود و رفاه اجتماعی از طریق دولت می‌شود.

تی‌سای و کائو¹ (2011)، ضمن ارائه یک مطالعه تجربی در مورد تایوان، به ارزیابی سیاست‌های کارآفرینی در بنگاه‌های کوچک و متوسط پرداخته‌اند. از نظر آن‌ها بنگاه‌های کوچک و متوسط نقش حیاتی در ایجاد اشتغال ایفا می‌کنند. همچنین کارآفرینی به عنوان موتور رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی مدنظر است. به همین دلیل دولت‌ها باید سیاست‌های جامع کارآفرینی را مورد توجه قرار داده و آن‌ها را به صورت مناسب برای توسعه‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط به کار گیرند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که با ارائه خدمات مشاوره و اطلاعات، فراهم کردن حمایت‌های مالی و ایجاد پایگاه‌های دانش، دولت‌ها می‌توانند نرخ موفقیت کارآفرینی را افزایش داده و افراد را برای ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط تشویق کنند، این امر تسهیل رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش اشتغال را به دنبال دارد.

روچا² (2004)، با بیان این که ارزیابی اثر کارآفرینی بر توسعه‌ی اقتصادی در مطالعات قبلی چندان مورد توجه قرار نگرفته است، سعی دارد با استفاده از نقش خوشه‌ها اثر کارآفرینی را بر توسعه ارزیابی کند. براساس نتایج بدست آمده، بین کارآفرینی و رشد اقتصادی یک ارتباط مثبت وجود دارد. همچنین کارآفرینی در تغییرات ساختاری اقتصاد نقش مهمی ایفا می‌کند.

بروسما و گاتر³ (1997)، در مطالعه‌ی خود به نام ایجاد و نابودی شغل در بنگاه‌های کوچک به بررسی تفاوت اشتغال در بنگاه‌های کوچک و بزرگ پرداخته‌اند. محققین به این نتیجه رسیده‌اند که میزان اشتغال در بنگاه‌های کوچک بیشتر از بنگاه‌های بزرگ است و اشتغال در بنگاه‌های کوچک از ثبات بیشتری برخوردار است و در زمان‌های بحرانی و رکود، بنگاه‌های کوچک بیشتر می‌توانند شغل ایجاد کنند.

بدین ترتیب در بیشتر مطالعات موجود بر رابطه‌ی بین کارآفرینی و اشتغال تاکید داشته

1. Tsai and Kuo

2. Hector O.Rocha

۳. Broersma and Gautier

است، با این حال بر اثر گذاری متقابل کارآفرینی و SMEها بر ایجاد اشتغال مولد کمتر تاکید شده است. این مطالعه سعی دارد این شکاف را برای کشورهای در حال توسعه پر کند.

ارائه الگوی پژوهشی

در این مطالعه برای تعیین عوامل موثر بر اشتغال در کشورهای مورد بررسی از یک نوع تابع تولید یعنی تابع تولید کاب-داگلاس استفاده شده است. در حالت کلی تحت شرایطی که فقط دو عامل تولید سرمایه (K) و نیروی کار (L) وجود دارد، این الگو به صورت زیر تعریف می شود (ازوجی و همکاران، 1384):

$$Q = AL^{\alpha}K^{\beta} \quad (1)$$

در رابطه فوق Q سطح ستاده، A ضریب ثابت، α و β به ترتیب کشش تولید نهاده های نیروی کار و سرمایه است. این تابع حالت ابتدایی است اقتصاد کلان هم مورد استفاده قرار می گیرد. اکنون برای برآورد اثر متغیرهای مورد بررسی الگوی لگاریتمی تابع تولید به صورت زیر تصریح می شود:

$$\ln Q = \ln A + \alpha \ln K + \beta \ln L \quad (2)$$

به غیر از متغیرهای معرفی شده در الگوی (2) متغیرهای دیگری نیز می تواند تولید را تحت تاثیر قرار دهد. به ویژه کشورهای در حال توسعه که در مرحله گذار اقتصادی به سر می برند، تلاش دارند تا با تمرکز بر متغیرهای اقتصادی مهمی نظیر آزادسازی اقتصادی، کارآفرینی، توسعه بنگاه های کوچک و متوسط، ارتباطات و اطلاعات، سرمایه گذاری و اشتغال به توسعه پایدار دست یابند و این متغیرها نقش با اهمیتی را در اشتغال، تولید و رشد این کشورها بازی می کند (لاساگنی¹، 2011 و اولایویولا و اوکادوا²، 2010). البته متغیرهای مهم دیگری مانند دستمزد نیز بر روی سطح اشتغال تاثیر گذارند ولی در مدل ما با توجه به اهداف مورد بررسی وارد مدل نمی شوند. چارچوب کلی الگو به صورت زیر قابل تعریف

1. Lasagni

2. Olayiwola and Okodua

است:

$$Q = f(L, K, H, OP, SMEs, TEA) \quad (3)$$

که در آن Q بیانگر تولید ناخالص داخلی، L اشتغال یا کل نیروی کار در سطح کلان، K متغیر موجودی سرمایه، H تشکیل سرمایه انسانی، OP باز بودن اقتصاد، $SMEs$ بنگاه‌های کوچک و متوسط و TEA بیانگر شاخص کارآفرینی است. افزایش کارایی و بهره‌وری عوامل اقتصادی، افزایش اشتغال و رشد اقتصادی از جمله اهداف اقتصادی است. بنابراین، رگرسیون لگاریتم خطی مدل رشد اقتصادی در قالب یک الگوی لگاریتمی تولید به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$\alpha + \beta_1 \text{Log}L_t + \beta_2 \text{Log}K_t + \beta_3 \text{Log}H_t + \beta_4 \text{Log}OP_t + \beta_5 \text{Log}SME_t + \beta_6 \text{Log}TEA_t + U_t \quad (4)$$

که در آن U_t عامل اخلاص است. اکنون هدف ایجاد یک چارچوب مبتنی بر ارتباط بین کارآفرینی، $SMEs$ و اشتغال در اقتصاد کشور است، تا بر اساس آن این فرضیه آزمون شود که تعمیق فرایند خصوصی‌سازی منجر به رشد اشتغال می‌گردد. برای ایجاد ارتباط میان متغیر اشتغال با متغیر خصوصی‌سازی و سایر عوامل تعیین‌کننده آن می‌توان با نرمالیزه کردن تابع تولید (3) نسبت به نیروی کار (L) معادله اشتغال مورد نیاز را استخراج کرد، به طوری که طبق تعریف:

$$\text{Log}L = \frac{-1}{\beta_1} \alpha + \frac{1}{\beta_1} \text{Log}Y - \frac{\beta_2}{\beta_1} \text{Log}K - \frac{\beta_3}{\beta_1} \text{Log}H - \frac{\beta_4}{\beta_1} \text{Log}OP - \frac{\beta_5}{\beta_1} \text{Log}SME - \frac{\beta_6}{\beta_1} \text{Log}TEA - \frac{1}{\beta_1} U \quad (5)$$

فرم رگرسیونی معادله اشتغال کشور در زمان t به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\text{Log}L_t = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Log}Q_t + \alpha_2 \text{Log}K_t + \alpha_3 \text{Log}H_t + \alpha_4 \text{Log}OP_t + \alpha_5 \text{Log}SMEs_t + \alpha_6 \text{Log}TEA_t + V_t \quad (6)$$

که در آن کلیه متغیرها به فرم لگاریتمی است و V_t هم جمله اخلاص معادله‌ی رگرسیونی فوق است. متغیر بازبودن اقتصاد در معادله فوق می‌تواند بیانگر نقش بخش تجاری بر سطح

اشتغال یک کشور باشد، و از طرفی توسعه صادرات هم می‌تواند به واسطه تامین منابع و تجهیزات به‌ویژه از ناحیه آزادسازی در واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای شکل بگیرد (طیبی¹، 1996). در واقع گسترش ظرفیت‌های تولید داخلی نیاز به واردات سرمایه‌ای و در نتیجه آزادسازی در بخش تجارت دارد و نهایتاً گسترش بخش تجاری از طریق آزادسازی تجاری و افزایش واردات بر سطح اشتغال اثرات مثبتی را ایجاد می‌کند که می‌تواند یکی از عوامل تعیین کننده و تاثیرگذار بر سطح اشتغال باشد.

از سوی دیگر جهانی شدن فرآیندی اجتناب‌ناپذیر است که آزادسازی تجاری به عنوان نماد اصلی آن پیش‌روی کشورها قرار دارد. آزادسازی تجاری بر بخش‌های گوناگون اقتصاد هر کشور آثاری را به واسطه تحرک آسان‌تر نهاده‌ها، کالاها و خدمات در پی خواهد داشت. یکی از نهاده‌های مهم در فرایند تولید در اقتصاد، نیروی کار است. پس آزادسازی تجاری روی سطح اشتغال در هر کشوری تاثیرگذار است. در مطالعات نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخصی برای آزادسازی تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد (یاربروف و یاربروف²، 2006).

با توجه به مطالب بخش 3 که اهمیت SMEs در ایجاد اشتغال را مورد تاکید قرار داد، در این مطالعه اثر SMEs در ایجاد اشتغال در کنار دیگر متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفت. این متغیر سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط از صادرات را نشان می‌دهد که از حاصل ضرب صادرات (گردآوری شده از بانک جهانی) در نسبت‌هایی که در مطالعه‌ی تامبونان (2009³) ارائه شده، به دست آمده است. بنگاه‌های کوچک و متوسط یکی از اجزای حیاتی رشد در اقتصاد جهانی بوده و اهمیت آن‌ها در رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به خوبی شناخته شده است. به دلیل توان بنگاه‌های کوچک و متوسط در شرایط در حال

1. Tayebi

2. Yarbrough and Yarbrough

3. Tambunan

تحول محیطی و گذر از بحران‌های اقتصادی، هم‌چنین نقش این گونه بنگاه‌ها در توسعه پایدار صنعتی، باید برنامه‌ریزی در زمینه‌های مختلف فعالیت آن‌ها مدنظر قرار گیرد. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که حل مشکل بیکاری، فقر، بی‌توازی منطقه‌ای و دستیابی به توسعه صنعتی در کشورهای جهان سوم در گرو توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در این کشورها است. دلایل عمده‌ای که آن‌ها برای این مطلب ارائه می‌کنند این است که، تاسیس و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط به منابع اندکی نیاز دارد و اغلب متکی بر منابع داخلی هستند. این بنگاه‌ها از درجه اشتغال‌زایی بالایی و دارای قدرت سازگاری و انعطاف‌پذیری بالایی با شرایط محیطی برخوردار هستند (بک و همکاران، 2005 و گال، 1، 2010).

از متغیرهای مهم دیگری که در اشتغال نقش دارد کارآفرینی است. زمانی که کارآفرینان یک شغل جدید را شروع می‌کنند حداقل به یک یا چند نیروی استخدامی نیاز دارند تا کارهای خود را سامان بخشند. کارآفرینان به علت قابلیت اشتغال‌زایی به کاهش نرخ بیکاری کمک می‌کنند. بنابراین، کارآفرینی می‌تواند زمینه ساز اشتغال نیروی کار باشد و با استفاده از نوآوری به ایجاد اشتغال در جامعه منجر شود. نتایج بسیاری از تحقیقات در بسیاری از کشورها نشان دهنده ارتباط مثبت بین کارآفرینی و شغل است. حتی در بعضی از این پژوهش‌ها نشان داده شده است که بین کارآفرینی و درآمد سرانه نیز ارتباط مثبت وجود دارد (موجیکا²، 2009). برای بررسی تاثیر کارآفرینی شاخص‌های زیادی وجود دارد که به علت کمبود داده، بسیاری از آن‌ها قابل استفاده نیستند. در این مطالعه با توجه به ادبیات موضوع تحقیق و داده‌های در دسترس سعی شده است مهم‌ترین این شاخص‌ها انتخاب شود. مهم‌ترین شاخصی که توسط دیدبان جهانی کارآفرینی (GEM)³ معرفی شده، شاخص TEA است که به صورت زیر محاسبه می‌گردد: (کلرک و همکاران⁴، 2008 و ون استل و

-
1. Gal
 ۲. Mojica
 3. Global Entrepreneurship Monitor
 4. Clercq et al

همکاران¹، 2005)

$$TEA = \frac{POP_{Ni}}{POP_{Ti}}$$

که در آن POP_{Ni} جمعیتی از کشور در سن 18 تا 64 که یا در مرحله شروع یک کسب و کار و یا صاحب یک شغل در مدت کمتر از 42 ماه هستند و POP_{Ti} کل جمعیت کشور در سنین 18 تا 64 است. براساس مبانی نظری که در بالا اشاره شد، مدلی را که برای بررسی اثر SMEها روی اشتغال در کشورهای مورد بررسی استفاده می‌کنیم به صورت زیر است. برای ارزیابی متغیرهای اثرگذار بر اشتغال رابطه‌ی (5) با استفاده از داده‌های تابلویی کشورهای چین، پاکستان، مالزی، اندونزی، ویتنام، فیلیپین، هند، تایلند و سنگاپور طی 1998-2008 با استفاده از نرم افزار (1) Stata برآورد شد.

در ابتدا به خاطر اینکه در شاخص TEA جمعیتی در نظر گرفته می‌شوند که در مرحله شروع یک کسب و کار جدید هستند، ممکن است تصور شود بین این شاخص و SMEها تشابهی وجود دارد و هم به خاطر ارتباط نزدیک بین کارآفرینی و SMEها شاید این طور در نظر گرفته شود که این دو با هم هم پوشانی داشته باشند. پس نمی‌توان هر دوی آن‌ها را با هم بررسی کرد، ولی همان گونه که در بالا توضیح داده شده است ما برای اندازه گیری SMEها در این مقاله از سهم این بنگاه‌ها از صادرات استفاده کرده ایم که در واقع خود به خود ارتباط بین این دو متغیر را از بین می‌برد. انتخاب این کشورها به دلیل محدودیت دستیابی به آمار و داده‌ها به خصوص در ارتباط با شاخص SMEها است و هم به دلیل اینکه عمده این کشورها جزء کشورهای نوظهور و در حال توسعه هستند. نتایج حاصل از تخمین در قسمت (6) ارائه شده است.

یافته‌ها

در این تحقیق، برای برآورد مدل از داده‌های تابلویی¹ طی دوره‌ی زمانی 1998-2008

1. Van Stel et al

استفاده شده است و داده‌ها برگرفته شده از 2 WDI(۲۰۰۷)، 3 PWT۰،۷ و GEM هستند. در ادبیات اقتصادسنجی، اطلاعات مربوط به داده‌های ادغام شده سری زمانی و مقطعی را داده‌های تلفیقی می‌نامند (یعنی تلفیق مشاهدات مقطعی کشورها، خانوارها و ... طی دوره‌های زمانی چند ساله). داده‌های تلفیقی به دو صورت کلی اثرات ثابت^۴ و اثرات تصادفی^۵ آزمون می‌شود که بسته به نوع داده‌ها و مناسب بودن مدل باید از یکی از آن‌ها استفاده نمود. برای این منظور از آزمون هاسمن، که در سال ۱۹۸۰ ارائه شده است، استفاده می‌شود (گرچی و همکاران ۱۳۸۹).

با توجه به نتایج تخمین مدل و براساس آزمون هاسمن فرضیه‌ی صفر رد می‌شود. یعنی روش اثرات ثابت مورد پذیرش قرار می‌گیرد. اما آماره‌ی LR که نتیجه‌ی آزمون واریانس همسانی را نشان می‌دهد دلالت بر وجود ناهمسانی واریانس در مدل دارد لذا جهت رفع این مشکل، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته^۶ (GLS) استفاده شده است. که نتایج حاصل از تخمین در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱. برآورد مدل اشتغال

متغیر	ضرایب	آماره z	Pr > z
cons	-2/29	-1/23	0/219
lgdp	0/24	3/56	0/000
IK	0/01	2/38	0/017
ISMEs	0/65	17/45	0/000
lOpenc	-1/45	-12/22	0/000
LTEA	0/32	1/43	0/152
Wald $\chi^2(\Delta) = 1521/27$		Prob > $\chi^2 = 0/003$	
LR $\chi^2(\Delta) = 145/95$		Prob > $\chi^2 = 0/000$	

منبع: برآوردهای تحقیق

1. Panel Data
2. World Development Indicator
۳. Penn World Tables
۴. Fixed Effects
۵. Random Effects
6. Generalized Least Squares

مهم‌ترین نتیجه به‌دست آمده از این معادله ضریب مربوط به لگاریتم SMEها است. کشش اشتغال نسبت به شاخص بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای مورد بررسی که سهم صادراتی این بنگاه‌ها را نسبت به کل صادرات نشان می‌دهد، معادل (0/65) است. این ضریب معنی‌دار و دارای علامت مثبت است. بدین لحاظ چنان‌چه بنگاه‌های کوچک در کشورهای مورد بررسی در در عرصه بین‌الملل حاضر شوند، قادر خواهند بود علاوه بر گسترش روابط تجاری، اشتغال را افزایش دهند و مشکلات اشتغال را نیز برطرف نمایند. بنابراین می‌توان گفت ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای مورد بررسی مطابق با دیدگاه موافقان حمایت از SMEs منجر به افزایش سطح اشتغال می‌شود.

در مقابل ضریب شاخص کارآفرینی در بین کشورها معنی‌دار نیست و اثر خنثایی را به دنبال دارد. با توجه به این نتیجه، چنین استنباط می‌شود که توسعه کارآفرینی که تکیه بر خلاقیت و نوآوری دارد چندان در این کشورها محسوس نیست.

GDP یکی دیگر از متغیرهای تاثیرگذار بر سطح اشتغال است که ضریب آن در این معادله (0/24) برآورد شده است. که این نتیجه با انتظارات تئوریک سازگار است. پس با افزایش ظرفیت اقتصادی این امکان وجود دارد که اشتغال را افزایش دهد.

LnOPENC به عنوان شاخص جهانی شدن در معادله بالا از نظر آماری معنی‌دار است اما ضریب آن منفی است (-1/45)، یعنی با باز شدن اقتصاد در این کشورها سطح اشتغال کاهش می‌یابد. با توجه به استراتژی‌های مختلفی که کشورها در بخش خارجی اتخاذ می‌کنند امکان بروز تورش وجود دارد به عنوان مثال آزادسازی تجاری در برخی از کشورهای در حال توسعه سبب افزایش واردات و به دنبال آن کاهش سطح اشتغال می‌شود.

سرمایه نیز با توجه به نتایج بدست آمده ارتباط مثبتی را با اشتغال نشان می‌دهد، اما از نظر عددی مقدار آن اندک است که می‌تواند به دلیل وجود شرایط و ساختارهای متفاوت بین کشورهای مورد بررسی باشد.

بحث و نتیجه

امروزه توسعه اقتصادی بر پایه‌ی نوآوری، خلاقیت و دانش استوار است. در این بین

کارآفرینان به طور خاص نقش موثری در فرآیند توسعه اقتصادی دارند همه بر این باورند که کارآفرینی موتور محرکه‌ی توسعه اقتصادی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است از طرفی بنگاه‌های کوچک و متوسط یکی از اجزای حیاتی رشد در اقتصاد جهانی و توسعه‌ی پایدار صنعتی هستند.

کارآفرینان به واسطه‌ی ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی که دارند می‌توانند فعالیت‌های خود را با ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط شروع نمایند. این بنگاه‌ها از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب زمینه‌هایی را برای دستیابی به رشد و توسعه‌ی پایدار فراهم می‌کنند.

هدف این مطالعه بررسی عوامل تاثیرگذار بر سطح اشتغال با تاکید بر نقش SMEs و کارآفرینی در برخی از کشورهای در حال توسعه (چین، پاکستان، مالزی، اندونزی، ویتنام، فیلیپین، هند، تایلند، سنگاپور) طی دوره‌ی زمانی 2008-1998 است. به این منظور با استفاده از داده‌های تابلویی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته اثر شاخص SMEs، کارآفرینی، تولید ناخالص داخلی، شاخص آزادسازی تجاری و سرمایه بر سطح اشتغال در کشورهای مورد نظر ارزیابی شد. نتایج نشان می‌دهد که از بین متغیرهای ذکر شده SMEها بیشترین اثر را بر سطح اشتغال دارد از این رو در تدوین سیاست‌های بازار کار باید به این نکته توجه ویژه‌ای شود. همچنین با توجه به ضرائب مربوط به کارآفرینی، تولید ناخالص داخلی و سرمایه، این متغیرها اثر مثبتی بر سطح اشتغال دارند. اما شاخص آزادسازی تجاری رابطه‌ی معکوسی با اشتغال دارد. ضریب مربوط به شاخص SMEs معادل (0,65) است. به اعتبار این ضریب می‌توان گفت امروزه توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی به عنوان راهکاری جهت افزایش سطح اشتغال و همچنین عبور از دوره‌ی گذار برای کشورهای در حال توسعه توصیه می‌شود.

پیشنهادها

بر اساس نتایج به دست آمده مبنی بر کشش بالای اشتغال نسبت به شاخص SMEs توصیه می‌شود دولت‌ها حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط را در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی مورد توجه قرار دهند. همچنین به دلیل اثرپذیری بالای اشتغال از سطح کارآفرینی بهتر است

در تدوین سیاست‌های بازار کار به این عامل توجه ویژه‌ای شود. با توجه به این که در این مطالعه ضریب متغیر کارآفرینی معنی‌دار نبود، پیشنهاد می‌گردد در مطالعه‌های بعدی از سایر شاخص‌های کارآفرینی استفاده گردد و اثر آن‌ها بررسی شود. از دیگر راهکارهای لازم برای افزایش سطح اشتغال و تسریع رشد اقتصادی می‌توان به استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و ایجاد فضای مطمئن برای رشد و سرمایه‌گذاری اشاره کرد.

منابع

- اخوان صراف احمدرضا، (1386)، "کاربرد شبکه‌سازی در بازاریابی بنگاه‌های کوچک و متوسط"، ماهنامه تدبیر، 108.
- ازوجی علاالدین، عسگری منصور، (1384)، "ارزیابی عوامل موثر بر اشتغال در اتحادیه‌های تجاری و منطقه‌ای"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، 5(4)، 1-30.
- حسن مرادی، نرگس، (1385)، "مدیریت کارآفرینی"، کرج: موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
- فخری مریم، (1389)، "اثر جهانی شدن و توسعه روابط تجاری بر کارآفرینی (مورد: کشورهای OECD)"، طیبی سیدکمیل، دانشگاه اصفهان گروه اقتصاد.
- فیض پور محمدعلی، پوش دوزباشی هانیه، (1387)، "بنگاه‌های کوچک و متوسط و رشد سریع و سهم آن‌ها در ایجاد اشتغال (مطالعه صنایع تولیدی ایران در برنامه دوم توسعه)"، پژوهش‌های اقتصادی، 37، 119-135.
- گرچی ابراهیم، علیپوریان معصومه، سرمدی حسین، (1389)، "تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال در ایران (و برخی کشورهای در حال توسعه)"، دانش و توسعه، 32، 111-127.
- متقی طلب مجید، بلالایی فاطمه، (1387)، "مدیریت ریسک در SMEs و نقش کلیدی انکوباتورها در آن"، پارک علم و فن آوری گیلان.
- ملکی نژاد امیر، (1385)، "تحلیلی بر نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی"، راهبرد یاس، 8، 141-170.
- هزارجریبی جعفر، (1384)، "بررسی نقش کارآفرین در ایجاد فرصت‌های اقتصادی"، پژوهش‌نامه اقتصادی، 108.
- Aidis, R. (۲۰۰۲), "Why Don't We See More Small – and Medium – Sized Enterprises (SMEs) in Lithuania? Institutional impediments to SME Development", Working Paper, University of Amsterdam.
- Beck, T., A. Demircuc – Kunt. And R. Levine (۲۰۰۵), "SMEs Growth, and Poverty: Cross- Country Evidence", World Bank, Working Paper.
- Broersma Lourens; Gautier Pieter (۱۹۹۷), "Job Creation and Job Destruction by Small Firms: An Empirical Investigation for Dutch Manufacturing

- Sector", *Small Business Economics*, 9, 211-224.
- Clercq, D. D., J. Hessels and A. Van Stel (2008), "Knowledge Spillovers and New Ventures Export Orientation". *Small Business Economics*, 39: 283-303.
- Gal, A. N (2010). "Competitiveness of Small and Medium Sized Enterprises –a possible Analytical Framework". HEJ.
- Rocha Hector (2004), "Entrepreneurship and Development: The Role of Clusters", *Small Business Economics*, 23, 363-400.
- Lasagni, A (2011). European SMEs, external relationships and innovation: some empirical evidence. *Economia e Politica Economica*, 4.
- Mojica, M. N (2009), Examining The Role of Entrepreneurship in Economic Development.
- Olayiwola, K. and Okodua, H (2009). Foreign Direct Investment, Non-Oil Exports, and Economic Growth in Nigeria: A Causality Analysis. 14th Annual Conference of the AES on Econometric Modelling for Africa.
- Pagano, P. and F. Schivardi. (2001), "Firm Size Distribution and growth", Banca d'Italia Working Paper 394.
- Pissarides, F., M. Singer and J. Svejnar. (2000), "Objectives and Constraints of Entrepreneurs: Evidence from Small and Medium – Sized Enterprises in Russia and Bulgaria", European Bank for Reconstruction and Development.
- Smallbone, D. and F. Welter.(2001), "The Distinctiveness of Entrepreneurship in Transition Economies", *Small Business Economics*, Vol 16:249-62.
- Stel, A., M. Caree and R. Thurik (2004). "The effect of entrepreneurship on national economic growth: An analysis using the GEM database", The First GEM Research Conference, Entrepreneurship, Government Policies, and Economic Growth.
- Tambunan T (2009), "Facilitating Small and Medium Enterprises in International Trade (Export): the Case of Indonesia", Asia-Pacific Trade Economists' Conference.
- Tayebi Seyed Komail; Razavi Seyed Mostafa; Zamani Zahra (2011), "Relation between Financial Crisis, SMEs and International Trade: A Need for a Better Business in Asia", The 8th SMEs in a Global Economy Conference 2011 At Khon Kaen University, Thailand.
- Tsai Wen-Hsien; Kuo Hsiao-Chiao (2011), "Entrepreneurship Policy Evaluation and Decision Analysis for SMEs", *Expert System With Application*, 38, 8343-8351.
- Thurik, T. and S. Wennekers (2004), "Entrepreneurship, Small Business and Economic Growth". *Small Business and Enterprise Development*, 11:140-149.
- Van Stel, A., M. Caree and A. R. Thuric (2005), "the effect of Entrepreneurial Activity on National Economic Growth". Discussion

papers on entrepreneurship, Growth and Public Policy.

Wennekers, S. and A. R. Thurik (۱۹۹۹), "Linking Entrepreneurship and Economic Growth". *Small Business Economics*, ۱۳: ۲۷-۵۵.

Yarbrough, B. V. and R. M. Yarbrough (۲۰۰۶), "the World Economy: Trade and Finance". ۷th Edition, USA: Thomson South-Western Ltd.